



می‌دهم به‌گونه‌های دیگری در این عرصه حضور داشته باشم. بیژن محتشم افزود: مدتی است بیشتر زمانم را صرف آموزش و تدریس در آموزشگاه می‌کنم و به تربیت شاگردانم در عرصه گریم مشغولم؛ به اضافه اینکه یکی از اعضای آکادمی خانه سینما هستم و در انجمن مدیران آموزشگاه‌های سینمایی نیز حضور دارم. بیژن محتشم، یکی از پیشکسوتان عرصه سینماست و سابقه فعالیتش به سال ۱۳۴۱ می‌رسد. او که از سال ۱۳۵۲ به تدریس در دانشگاه

بیژن محتشم، قدیمی‌ترین گریمر سینمای ایران است که طی این سال‌ها با کارگردان‌های مطرحی همکاری کرده، مدتی است در سینما حضور ندارد و نامش در تیتراژ آثار سینمایی دیده نمی‌شود. این هنرمند درباره وضعیت سلامتی‌اش گفت: خوشبختانه در شرایط جسمی و روحی خوبی بسر می‌برم و مشکل خاصی از این لحاظ ندارم. بیژن محتشم درباره دلایل کم کاری‌اش در سینما گفت: فضای فعلی سینما را دوست ندارم و بنا به دلایلی ترجیح

## کارگردان یک خرده نمایش ایرانی جذاب

# کنی انار آباد» آدم‌هاست

شاهنامه‌خوانی می‌دید، با ادبیات کهن سرزمین آشنا می‌شدی و اجرای موسیقی زنده و تلفیق آن با هنر نمایش به تماشا می‌نشستی. «خواب طولانی انارآباد» قصه عاشقانه‌ای را روایت می‌کرد که در انتها به نرسیدن مطلق ختم می‌شد، نرسیدنی که تو به‌عنوان مخاطب آن را با تمام وجود احساس می‌کنی و برای تک تک شخصیت‌های غصه می‌خوری. پس از پایان نمایش به انتظار ایستادم تا کارگردان و گروه نمایش از تماشاچیان فارغ شوند و فرصتی مهیا شود برای اینکه با الما گشتاسب، کارگردان جوان این نمایش پیرامون تلاشی که روی صحنه نظاره‌گرش بودم به گفتگو بنشینم، آنچه در ادامه می‌خوانید حاصل این گفتگوست.

### تکیه‌کلام‌هایی مانند self study, کاتالوگ

... که همه ما می‌دانیم که واژه‌های امروزی هستند و در ادبیات کهن و به قول شما خرده نمایش ایرانی وجود نداشتند. می‌خواهم بدانم دلیل استفاده از این واژه‌ها همذات‌پنداری مخاطب امروزی با نمایش‌های قدیمی ایرانی بود یا هدف دیگری داشتید؟

دقیقا موضوع همذات‌پنداری مطرح بود. به هر حال ما با مخاطب امروزی سر و کار داریم و شما به‌عنوان کارگردان در جاهایی از نمایش کلیدی به مخاطب می‌دهید و گوئی با این کار می‌خواهید توالی زمانی را در نمایشتان

خاصیت نمایش ایرانی این است که تو قاعده می‌گذاری که من دارم بازی می‌کنم، این را به‌طور صریح به تماشاگر می‌گوئی که مثلا من غلامحسین نیستم و دارم نقش بازی می‌کنم

متأسفانه در کشور ما خیلی از کارگردان‌ها و اهالی تئاتر به نمایشنامه‌های ایرانی روی چندان خوشی نشان نمی‌دهند و سعی می‌کنند بیشتر به سمت و سوی نمایشنامه‌های خارجی بروند

بشکنید و به هم بریزید. با این کار در واقع می‌خواستیم مخاطب امروز را آنقدر درگیر ماجرا کنیم که احساس کند خودش در زمان اکنون و با المان‌های امروزی دارد در گذشته‌های دور زندگی می‌کند. اصلا خاصیت نمایش ایرانی این است که تو قاعده می‌گذاری که من دارم بازی می‌کنم، این را به‌طور صریح به بازیگر می‌گوئی که مثلا من غلامحسین نیستم و دارم نقش بازی می‌کنم.

پس به همین دلیل بود که در جایی از نمایش بازیگر نقش ننه غلامحسین از دیالوگ‌های این مضمون که «این توضیح صحنه است» را بیان کرد؟

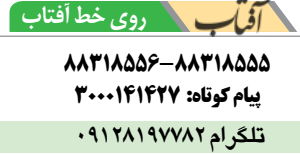
دقیقا. ما در اینجا داریم نقب می‌زنیم که با یک نمایش سر و کار داریم و به‌خاطر اینکه من بازیگر یک آدم امروزی هستم، می‌آیم در نمایش از یکسری الفاظ و حرکاتی استفاده می‌کنم که مختص من و زمانی است که من دارم در آن زندگی می‌کنم. ما به این شیوه سعی می‌کنیم فضایی که در نمایش وجود دارد بشکنیم تا بتوانیم به لحاظ زمانی با مخاطب ارتباط بهتری برقرار کنیم.

من در طول سال‌های فعالیت در حوزه فرهنگ و هنر نمایش‌های بسیاری دیدم. نمایش‌هایی که نمایشنامه اکثر آنها خارجی بوده و شاید نمایش شما جزء معدود نمایش‌هایی باشد که نمایشنامه‌اش ایرانی بود. با این توضیح می‌خواهم بدانم احساسات از اینکه یک نمایشنامه ایرانی را روی صحنه بردید چیست و اینکه چه انتظاری از همکاران کارگردان خودتان درباره به صحنه بردن نمایشنامه‌های ایرانی دارید؟

متأسفانه در کشور ما خیلی از کارگردان‌ها و اهالی تئاتر به نمایشنامه‌های ایرانی روی چندان خوشی نشان نمی‌دهند و سعی می‌کنند بیشتر به سمت و سوی نمایشنامه‌های خارجی بروند که خود من

### «من یوسفم، مادر» آماده نمایش شد

نسخه نهایی فیلم سینمایی «من یوسفم، مادر» به نویسندگی و کارگردانی محمدرضا فرطوسی با بازی عباس غزالی و بازیگر سرشناس سینمای عرب آماده نمایش شد. به گزارش خبر آنلاین، «من یوسفم، مادر» داستانی جوانی بغدادی است که روایت می‌کند که به دلیل ممانعت از حضور در جنگ علیه ایران توسط ارتش رژیم بعث، دستگیر شده است و بعد از مدتی ناپدید می‌شود.



تاکنون بارها در مورد ناخوانا و مخدوش‌بودن نوشته‌های چاپی قیمت و تاریخ تولید و انقضای مصرف روی جعبه و بسته‌بندی‌های کالاها و اجناس به‌خصوص مواد غذایی و لبنی پرمصرف که گاهی چنان ریز و کمرنگ و اغلب در جای نامناسب و نقاط سیاه و تیره به‌طور عمد اینچنین چاپ و پرینت لیزری که قابل پاک شدن سریع با دست می‌شوند مطالب مهمی را گفته و نوشته‌ام که متأسفانه دولت تاکنون نتوانسته اقدام بازدارنده و تنبیهی لازم را انجام دهد! واقعا چرا؟

این نقدی است که به جامعه مردسالار آن زمان می‌شود. اینکه شما گفتید زن سالاری ننه غلامحسین را نشان نمی‌دهد، بلکه مادرانگی زیاد این زن را نشان می‌دهد. او به دلیل حس مادرانگی بیشتر از حدی که دارد دوست دارد فرزندش با وجود تمام مشکلاتی که به لحاظ عقلی دارد باید بهترین‌ها را داشته باشد. حتی این مادرانگی را مادرسالاری هم نمی‌توان نامید، چراکه حس مادرانگی این زن ماجرای مادرسالاری را نقض می‌کند. او مادر است نه به دلیل اینکه می‌خواهد رئیس باشد، بلکه مادر است به این دلیل که همه چیز را از نوع بهترینش برای فرزندش می‌خواهد.

چرا همه چیز به انارآباد ختم می‌شود؟ انارآباد جایی است که شخصیت‌های نمایش ما بعد از تمام اتفاقاتی که برایشان رخ داده به آنجا می‌روند که این رفتن را می‌توان به تعبیری یک تبعید خودخواسته نامید، شخصیت‌های نمایش ما، انارآباد را برای پایان ماجرای خود انتخاب می‌کنند، چراکه احساس می‌کنند آنجا پناهگاه و مغزی است که آنها می‌توانند به آنجا پناه ببرند و از این گرفتاری‌ها و مشکلات رهایی یابند. انارآباد محل آرامش است، جایی است که تو نگرانی و دغدغه خاصی پیرامون اتفاقاتی که تاکنون برایت رخ داده نیستی، جایی است که تو می‌توانی اندکی بیاسایی و تن و روح را از خستگی این همه راهی که آمدی بزدايي.

حضرت امام زین‌العابدین (ع) می‌فرمایند: به‌راستی که دعا، بلا را برمی‌گرداند، آن هم بلائی حتمی را. دعا بلايي را که نازل شده و آنچه‌ا از نازل شده دفع می‌کند.

حضرت امام حسن عسکری (ع) می‌فرمایند: دو خصلت است که بهتر و بالاتر از آنها چیزی نیست: ایمان به خدا و سود رساندن به برادران.

امید وافر می‌رود با تحقق اهداف سال اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال، منابع و ذخایر فراوانی که در کشورمان موجود است از حالت رکود و بدون استفاده بودن خارج شده و باعث شود به‌وسیله نیروهای جسمی و فکری و استعداد‌های درخشان آماده به‌کار، این منابع که دشمنان چشم طمع به آن دارند در خدمت مردم عزیز و جامعه اسلامی قرار بگیرد. ان‌شاء...

آنهایی که عکاس و فیلم‌بردار را می‌بینند که روی آنها زوم شده و همچنان به توهین ادامه می‌دهند به چی مطمئن هستند، نمی‌دانند قانون یقه آنها را می‌گیرد.

در راهپیمایی روز قدس عده‌ای شعار تفرقه‌افکنانه سر دادند و از فرمایشات رهبر جمهوری اسلامی به نفع خودشان برای برهم زدن نظم و قانون سوءاستفاده کردند اگر منظور آنان از آتش به اختیار این باشد که هر کس می‌تواند به مخالفش حمله کند پس به‌دنبال هرج و مرج در کشور هستند در غیر این صورت خلاف مقررات و قانون است و سخنان فرمانده محترم کل قوا را بد تفسیر کرده‌اند.

آقای قالیباف! لازم نیست تجربیات خود را به مدیریت شهری بعدی انتقال بدهید.

آقای روحانی رئیس‌جمهور محبوب ایران! از اینکه عده‌ای دیروز به شما اهانت کردند ناراحت نباشید. ملت جواب آنها را خواهند داد.

باسلام. هر اندازه دامنه توهین و تهدید از طرف مخالفان آقای روحانی چه در راهپیمایی‌ها و چه در روزنامه‌ها و در تریبون‌ها بیشتر شود تنفر و آن‌زجار مردم از این گروه‌ها بیشتر می‌شود و این به ضرر آنها تمام خواهد شد.

روزنامه محترم قدس! چرا یک طرفه به قاضی رفتی؟ نیم صفحه به حرف‌های شهردار اختصاص دادی بدون شنیدن حرف‌های استاندار و آقای آخوندی.

مشغول است تاکنون در بیش از ۲۵ فیلم سینمایی به‌عنوان گریمر و طراح گریم حضور داشته است. به‌گزارش دیباچه، بیژن محتشم در فیلم «سیاره میمون‌ها» به کارگردانی فرانکلین جی شافتز با بازی چارلتون هستون، رودی مک‌داول و مائوری ایورانس، کیم هانتز، جیمز وایت مور، دستیار «جان چمبرز» بوده است؛ اثری که توانست در سال ۱۹۶۸ اسکار بهترین چهره‌پردازی را از آن خود کند.

چون یک زن هستم و به نمایش‌های زنانه علاقه زیادی دارم این نمایش را برای کارگردانی و اجرا انتخاب کردم و البته از این انتخاب هم خوشحالم، چراکه با این کار شاید توانسته باشم حرف زنانه را که در دل تاریخ و در روزگاران گذشته و در جامعه مردسالار قدیم حق اظهارنظر و بیان دیدگاه و نقطه‌نظرشان را نداشته‌اند، در دل نمایشم بیان کنم. وقتی این نمایشنامه‌ها آنقدر از اینگونه حرف‌ها که حتی دغدغه من، زن امروزی هستند در دلشان دارند چرا از آنها استفاده نکنم و حرف انبوهی از انسان‌ها که همچنان خودم هم هستم را نزنم

هم از این قاعده مستثنی نبودم و تمایل بیشتر به نمایشنامه‌های خارجی بود، اما زمانی که قرار شد پایان‌نامه ارشدم را ارائه کنم به‌شدت به نمایشنامه‌های ایرانی علاقه‌مند شدم و دریافتم که این نمایش‌های زنانه ایرانی که درباره عقبه مردمان کشور خودم است چقدر جای کار دارد و چه خوب است که از این فرصت استفاده کنم و به سمت اینگونه نمایشنامه‌ها بروم که این کار را انجام دادم و خوشحالم از اینکه این کار را کردم برای اینکه علاوه بر تجربه جدیدی که در زمینه نمایشنامه‌های ایرانی کسب کردم پایان‌نامه من نیز به‌عنوان کتاب «تماشگران پرده‌نشین - اجرای اعتراضی زنان دوره قاجار» مشغول طی کردن مراحل برای چاپ است. جالب است بدانید زمانی که داشتم در مورد این موضوع مطالعه می‌کردم پی بردم که ما چقدر در این زمینه غنی هستیم و چقدر سوزه در میان متون قدیمی ایرانی برای کار کردن در صحنه وجود دارد. در سرزمینی زندگی می‌کنیم که در گوشه گوشه آن پر از این‌ها می‌کند. این تاسف‌بار است که ما مثل کشورهای دیگر نتوانستیم نداریم، کشورهای دیگر از این مقوله نهایت استفاده را کرده‌اند و از این موضوع به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جاذبه‌های توریستی‌شان استفاده می‌کنند در حالیکه در کشور ما با این عقبه ادبی و فرهنگی این موضوع مغفول مانده و توجه چندانی به آن نمی‌شود. متأسفانه ماجرا به اینجا هم ختم نمی‌شود، چراکه اگر کسی مثل من بخواهد درباره این متون تحقیق کند منابع چندانی پیدا نمی‌کند. خود من در این باره با کمبود منابع مواجه شدم و جز مقاله آقای بلوک باشی و کتاب آقای بهرام بیضایی و تحقیقاتی که آقای فتحعلی بیگی و دکتر ناصر بخت منبع دیگری در این زمینه پیدا نکردم. همانطور که گفتم خود من هم خیلی تمایل به اجرای نمایشنامه‌های ایرانی نداشتم، اما وقتی موضوع پایان‌نامه مطرح شد و وارد این وادی شدم چندان دلبسته این متون نمایشی شدم که دیگر دوست ندارم رهايش کنم. البته ذکر این نکته را لازم می‌دانم همانطور که پیشتر بیان کردم یکی از موفقه‌های نمایش ایرانی موسیقی است و در این کار هم ما باید چنان در به صحنه بردن نمایش با دقت و موشتافانه عمل می‌کردیم که نمایشمان دچار میمیزی خاصی نشود و این موضوع کار را برای ما سخت‌تر می‌کرد به همین دلیل تمام سعی ما این بود که همه چیز این نمایش را به سلامت از کانال سانسور عبور دهیم به‌صورتی که هم متن نمایشی سالم روی صحنه برود و هم موسیقی‌ای که در طول اجرا شنیده می‌شد دچار تغییر و دگرگونی نشود. در خصوص بخش دوم پرسشستان فقط می‌توانم بگویم که آرزویم این است تمام کسانی که در کشورمان تئاتر کار می‌کنند بدانند که در ادبیات ما منابع بسیار غنی‌ای در زمینه نمایشنامه‌های ایرانی وجود دارد که می‌توان روی آنها کار کرد. بدانیم که وقتی راجع به تقالی یا تعزیه‌خوانی زنانه حرف می‌زنیم درباری از مطلب در دل تاریخ‌مان داریم که می‌توانیم روی آنها کار کنیم. بدانیم که اینها گذشته و فرهنگ ما را تشکیل می‌دهند و ما می‌توانیم از آنها به بهترین شکل ممکن استفاده کنیم تا هم برای هنر نمایش و هم برای ادبیات‌مان اتفاقات خوبی رخ دهد.

زمانی که داشتم در مورد این موضوع مطالعه می‌کردم پی بردم که ما چقدر در این زمینه غنی هستیم و چقدر سوزه در میان متون قدیمی ایرانی برای کار کردن در صحنه وجود دارد. در سرزمینی زندگی می‌کنیم که در گوشه گوشه آن پر از این‌ها می‌کند. این تاسف‌بار است که ما مثل کشورهای دیگر نتوانستیم نداریم، کشورهای دیگر از این مقوله نهایت استفاده را کرده‌اند و از این موضوع به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جاذبه‌های توریستی‌شان استفاده می‌کنند در حالیکه در کشور ما با این عقبه ادبی و فرهنگی این موضوع مغفول مانده و توجه چندانی به آن نمی‌شود. متأسفانه ماجرا به اینجا هم ختم نمی‌شود، چراکه اگر کسی مثل من بخواهد درباره این متون تحقیق کند منابع چندانی پیدا نمی‌کند. خود من در این باره با کمبود منابع مواجه شدم و جز مقاله آقای بلوک باشی و کتاب آقای بهرام بیضایی و تحقیقاتی که آقای فتحعلی بیگی و دکتر ناصر بخت منبع دیگری در این زمینه پیدا نکردم. همانطور که گفتم خود من هم خیلی تمایل به اجرای نمایشنامه‌های ایرانی نداشتم، اما وقتی موضوع پایان‌نامه مطرح شد و وارد این وادی شدم چندان دلبسته این متون نمایشی شدم که دیگر دوست ندارم رهايش کنم. البته ذکر این نکته را لازم می‌دانم همانطور که پیشتر بیان کردم یکی از موفقه‌های نمایش ایرانی موسیقی است و در این کار هم ما باید چنان در به صحنه بردن نمایش با دقت و موشتافانه عمل می‌کردیم که نمایشمان دچار میمیزی خاصی نشود و این موضوع کار را برای ما سخت‌تر می‌کرد به همین دلیل تمام سعی ما این بود که همه چیز این نمایش را به سلامت از کانال سانسور عبور دهیم به‌صورتی که هم متن نمایشی سالم روی صحنه برود و هم موسیقی‌ای که در طول اجرا شنیده می‌شد دچار تغییر و دگرگونی نشود. در خصوص بخش دوم پرسشستان فقط می‌توانم بگویم که آرزویم این است تمام کسانی که در کشورمان تئاتر کار می‌کنند بدانند که در ادبیات ما منابع بسیار غنی‌ای در زمینه نمایشنامه‌های ایرانی وجود دارد که می‌توان روی آنها کار کرد. بدانیم که وقتی راجع به تقالی یا تعزیه‌خوانی زنانه حرف می‌زنیم درباری از مطلب در دل تاریخ‌مان داریم که می‌توانیم روی آنها کار کنیم. بدانیم که اینها گذشته و فرهنگ ما را تشکیل می‌دهند و ما می‌توانیم از آنها به بهترین شکل ممکن استفاده کنیم تا هم برای هنر نمایش و هم برای ادبیات‌مان اتفاقات خوبی رخ دهد.

گفتید طنز. با این توضیح می‌خواهید بگویید زائر نمایش کم‌دی و طنز بود؟ این سوال را از آن جهت بیان می‌کنم که خود من به شخصه آندوهی را که در نمایش وجود داشت بیشتر از طنز آن احساس کردم.

شاید بتوان گفت چند گونه‌ای بود چون با هر شخصیتی که پیش می‌رفتید به فراخور شرایط آن شخصیت فضای احساسی خاصی را تجربه و آن را به مخاطب ارائه می‌کردیم. اینکه گفتید آندوه نمایش بیشتر بود باید بگویم که خب به هر حال ما نمایش ایرانی کار می‌کنیم و بالذاته داستان، داستان تلخی است. شما صحنه‌ای که دختر سر سفره عقد می‌نشیند و بدون اینکه همسری را که قرار است با او ازدواج کند، ببیند با فرد دیگری ازدواج می‌کند، خب این تلخ است و شما کلاما آندوه داخل نمایش را درست درک کردید. این هم که می‌گویم موزیکال است برای این است که این آندوه را ما به‌صورت موزیکال اجرا و بیان کردیم و سعی‌مان این بود که از تمام عناصر نمایش ایرانی به اندازه و درست استفاده کنیم.

هم خود من استنباطم این بود که نمایش، نمایشی کاملا زنانه است و هم خود شما در صحبت‌هایتان به این موضوع اشاره کردید، سوالم این است که به‌خاطر اینکه خودتان زن هستید دست به انتخاب این نمایش زدید یا دلیل دیگری داشت؟

دقیقا چون یک زن هستم و به نمایش‌های زنانه علاقه زیادی دارم این نمایش را برای کارگردانی و اجرا انتخاب کردم و البته از این انتخاب هم خوشحالم، چراکه با این کار شاید توانسته باشم حرف زنانه را که در دل تاریخ و در روزگاران گذشته و در جامعه مردسالار قدیم حق اظهارنظر و بیان دیدگاه و نقطه‌نظرشان را نداشته‌اند، در دل نمایشم بیان کنم. وقتی این نمایشنامه‌ها آنقدر از اینگونه حرف‌ها که حتی دغدغه من زن امروزی هستند در دلشان دارند چرا از آنها استفاده نکنم و حرف انبوهی از انسان‌ها که همچنان خودم هم هستم را نزنم.

پس نگاهتان فمینیستی بود، شاید به همین دلیل شخصیت مرد داستان را همانطور که خودتان گفتید کمی گنگ و گیج نشان دادید و بعضی از رفتارهایش را سرنمی‌زند؟

نه، به دلیل نگاه فمینیستی‌ام نبود. داستان اینگونه بود. داستان ننه غلامحسینی شخصیت



در حالی که در کشور ما با این عقبه ادبی و فرهنگی این موضوع مغفول مانده و توجه چندانی به آن نمی‌شود

زمانی که داشتم در مورد این موضوع مطالعه می‌کردم پی بردم که ما چقدر در این زمینه غنی هستیم و چقدر سوزه در میان متون قدیمی ایرانی برای کار کردن در صحنه وجود دارد. این تاسف‌بار است که ما مثل کشورهای دیگر نتوانستیم نداریم، کشورهای دیگر از این مقوله نهایت استفاده را کرده‌اند و حتی از این موضوع به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جاذبه‌های توریستی‌شان استفاده می‌کنند در حالی که در کشور ما با این عقبه ادبی و فرهنگی این موضوع مغفول مانده و توجه چندانی به آن نمی‌شود